

مسجد جامع چادگان و موقوفات آن

حمید رضا میرمحمدی

چکیده

شهرستان چادگان در غرب استان اصفهان واقع است و واقع شدن آن در ساحل دریاچه سد زاینده رود، آب و هوای مناسب و طبیعت زیبای آن، این شهر را به عنوان یکی از مراکز توریستی استان اصفهان مطرح نموده است. در این شهر مسجد جامع است که تاریخ ساخت آن به زمان قاجار باز می‌گردد. مقاله حاضر اول مطالبی راجع به تاریخ بناء مسجد را بیان می‌کند، سپس سند وقف مسجد بطور کامل آورده شده تا احوال موقوفات آن در زمان کنونی شرح داده شود.

واژگان کلیدی:

چادگان، مسجد جامع چادگان، سند وقف مسجد جامع چادگان، موقوفات مسجد جامع

چادگان



مقدمه

شهرستان چادگان در غرب استان اصفهان واقع است. این شهرستان مشتمل بر دو بخش مرکزی و چناررود و چهار دهستان و دو شهر چادگان و شهر رزوه است. شهر چادگان مرکز شهرستان چادگان در ساحل دریاچه زاینده‌رود در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی شهر اصفهان و ۲۵ کیلومتری داران مرکز شهرستان فریدن واقع گردیده است.

واقع شدن چادگان در ساحل دریاچه سد زاینده‌رود، آب و هوای مناسب و طبیعت زیبای آن، این شهر را در سال‌های اخیر به عنوان یکی از مراکز توریستی استان اصفهان مطرح نموده است.

چادگان از جمله مناطق کهن ناحیه فریدن است و مقبره منسوب به کاوه آهنگر در شش کیلومتری این شهر، در روستای مشهد کاوه واقع است.^۱ چادگان در سال ۱۳۴۲ (ش) به شهر تبدیل شد و در سرشماری ۱۳۸۵ دارای



موقعیت چادگان در استان اصفهان

۷۰۳۷ نفر جمعیت بوده است.^۲ از آثار کهن موجود در شهر علاوه بر بافت قدیم آن که شامل چندین عمارت عمدتاً از زمان قاجار است، دو بنای دیگر قابل ذکر است: یکی ساختمان فعلی دفتر میراث فرهنگی معروف به منزل دکتر صالحی، و دیگری مسجد جامع (صرفاً بخش هشتی ورودی آن) که از جمله آثار کهن موجود در این شهر هستند.

بنای مسجد جامع

آنچه سینه به سینه نقل شده است حکایت از آن دارد که در سال ۱۲۹۰ ق یک روحانی به نام سید اسد الله و فردی دیگر به نام سید جعفر (که ظاهراً معمار بوده) از اصفهان به چادگان و به منزل امام جمعه وقت آیت الله سید محمد مهدی می‌روند. در آن زمان معمول بوده که اگر فرد یا افرادی غیر از وابستگان اهالی به آبادی وارد می‌شدند، یا به منزل خان آبادی می‌رفتند و یا افراد ورود ایشان را به اطلاع خان می‌رساندند. هنگامی که سید اسدالله روحانی اصفهانی وارد چادگان شد، به منزل سید محمد مهدی امام جمعه وارد می‌شوند. چون امام جمعه از نظر مالی وضعیت مناسبی نداشت، حاج مصطفی قلی خان، خان بزرگ قریه چادگان فردی را به منزل امام جمعه می‌فرستد که از آنان بخواهد برای پذیرایی بهتر به منزل خان بروند. امام جمعه چادگان از رفتن به منزل خان خودداری می‌کند؛ بنابراین سید اسدالله و سید جعفر نیز به منزل مصطفی قلی خان نمی‌روند و همگی به منزل روحانی دیگر چادگان، یعنی ملا ابراهیم چادگانی که از نظر اقتصادی وضعیتی مناسب‌تر داشت می‌روند. فردای آن روز همگی به منزل مصطفی قلی خان رفته، و از وی می‌خواهند بخشی از ثروتش را به ساختن مسجد، حمام و غسلخانه اختصاص دهد تا هم با دادن خمس مالش، اموال خود را پاک کند و هم در آبادانی چادگان گامی بردارد. مصطفی قلی خان می‌پذیرد و مبلغ سیصد تومان برای ساختن مسجد، حمام و غسلخانه و مبلغی را نیز جهت کمک به فقرا اختصاص می‌دهد.^۳

سید محمد مهدی امام جمعه مکان بنای مسجد جامع چادگان را مجاور حمام قدیمی و روبروی مسجد موسوم به علی نقی بیک که مسجدی کوچک بوده و تاریخ انشا وقف نامه آن سال ۱۱۸۳ ق است^۴، قرار می دهد؛ سپس با هم فکری سید جعفر معمار اصفهانی ساختمان آن را طراحی می کند.

تکمیل مسجد جامع به علت سرما و یخبندان طولانی در منطقه، ۱۳ سال به طول می انجامد و نهایتاً در سال ۱۳۰۵ ق به پایان می رسد.

مصطفی قلی خان بخشی قابل توجه از آب و املاک خود را در سال ۱۳۰۵ هـ. ق بر مسجد فوق وقف می کند.

ساختمان فعلی مسجد

مسجد جامع در سال ۱۳۵۴ شمسی نوسازی شده است. در این نوسازی بخش ورودی مسجد و هشتی قدیمی آن به علت اصالت معماری و سالم بودن آن حفظ گشته و نوسازی نشده است. ساختمان جدید مسجد توسط مرحوم سید حسن فصیحی امام جمعه وقت^۵ و حاج نعمت الله رحیمی معمار چادگانی صورت می گیرد. در نوسازی مسجد علاوه بر افزایش مساحت، بخشی نیز تحت عنوان حسینیه به ساختمان مسجد الحاق می گردد.

در داخل ساختمان وضوخانه مسجد که در سمت چپ ورودی مسجد قرار دارد، دوسنگ قبر نصب گردیده است یکی مربوط به عباس قلی خان اینالو میرپنج چادگانی، فرزند مرحوم حاج مصطفی قلی خان میرپنج (بنیان گذار مسجد) متوفای ۱۳۳۵ ق، و دیگری مربوط به رضاقلی خان فرزند عباسقلی خان است که در سال ۱۳۳۹ فوت کرده است.

شایان ذکر آنکه مرحوم مصطفی قلی خان میرپنج^۶ بنیانگذار مسجد و واقف موقوفات آن در قبرستان وادی السلام نجف اشرف دفن است.

موقوفات مسجد

مسجد جامع دارای سه فقره موقوفه بوده است که بزرگ‌ترین موقوفه مسجد مربوط به آب و املاک مرحوم مصطفی‌قلی خان میرینج بوده است که حدود دو دانگ و سه حبه است. این املاک تا سال ۱۳۴۵ جزو موقوفات مسجد بود و درآمد حاصل از آن به مصرف مسجد می‌رسید. در سال ۱۳۴۵ به علت تأسیس سد زاینده‌رود، اراضی موقوفه فوق به زیر آب دریاچه سد زاینده رود رفت. شرکت «سد و عمران زاینده رود» اراضی فوق را بدون توجه به وقفی بودن آن‌ها از زارعان املاک خریداری کرد و بهای آن را پرداخت که اسناد و مدارک آن به تفکیک موجود است.

متأسفانه زارعین املاک وقفی با فروش این املاک اقدام به جایگزینی آن نکردند؛ از این رو املاک فوق از بین رفته است و اکنون اثری از این رقبات وجود ندارد. دو باب دکان وقفی واقع در مجاور در ورودی مسجد نیز در نوسازی مسجد در سال ۱۳۵۴ جزو ساختمان مسجد گردید.

سومین موقوفه مسجد دو باب دکان صباغی (رنگرزی) واقع در آبادی رُزوه از روستاهای فریدن بوده که متأسفانه این موقوفه نیز از بین رفته است. لازم است ذکر شود که آبادی رُزوه اکنون از شهرهای شهرستان چادگان است و در فاصله نه کیلومتری چادگان و بیست کیلومتری شهر داران واقع است. امامزاده عبدالله بن زید علیه السلام پدر امامزاده جلیل‌القدر سید عبدالعظیم حسنی مدفون در شهر ری، در این شهر واقع است.

وقفنامه مسجد جامع چادگان

هو الواقف علی السرائر و المطلاع علی الضمائر. بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذي جعل الحسنات مذهباً للسَّيِّئَاتِ، و الخيرات و المبرَّاتِ رافعاً للدَّرَجَاتِ، و بناءً المساجد للعبادات ظلاً لبانيها في العرصات، و وقفَ المزارع في حال

الحيوة مُثَمِّراً في الرضوان و الجنّات، و أعمال الخير في المآل و الخلوات رقيقاً في القبر و العقبات، و طريقة محمد ﷺ هو أشرف الموجودات وسيلة للنّجاة، و محبّة عليّ أمير المؤمنين و أولاده الطاهرين عليهم أكمل التّحيات حافظاً للنّار و الخطيئات.

غرض از نگارش و ادای این دیباچه مبراً از رشک و ریب، و مقصود از آغاز و بنای این صحیفه مبراً از نقص و عیب، آن است که شکر و سپاس فزون از وهم و قیاس سزاوار حضرت واقف السّرائر قدیم الاحسان، و بانی بنای این سرای جهان و معمار معموره این بلندایوان است که چرخ مقرنس را بی آلت خشت و گلی برافراشته، و طاق رواق آن را زرین خورشید و صور سیمین کواکب نگاشته، و آینه خانه زجاجی این نقوش به قبه اختران آراسته، و بهار آرای قدرتش گل های چهار باغ عناصر را به صبغ کامل رنگ آمیزی نموده، و صلوات زاکیات تحفه بارگاه عزّ و جاه حضرت رسالت پناه که پیوند طاعت قبول، بی وساطت شریعت مطهر او صورت نگیرد، و دعای بی محبت و صیّ بلافضل او امیرالمؤمنین و اولاد طاهرين او صلوات الله عليهم اجمعین استجابت نپذیرد.

از آنجایی که اگر هر یک از بندگان گوی سعادت از میدان اخلاص رباید و زنگ کدورت عصیان از دل و جان زداید و راه بندگی را به قدوم ارادت پیماید، خداوند فعّال لما یرید ﴿الذي خلق الموت و الحیوة لیبْلُوکم ائیکم احسن عملاً و هو العزیز الغفور﴾^۷، الطاف قدیم و اعطاف کریم خود را شامل حال او گرداند به عمل خیری، تا باعث رستگاری دنیا و آخرت او گردد و این اوقاف در این صفحات مصداق این مقال، شاهد احوال خیریت مآل سرکار عظمت مدار جلالت آثار شوکت اقتدار، مقرب الخاقان، کھف الحاجّ و المعتمرین حاج مصطفی قلی خان سرتیپ از طایفه اینالو چادگانی دام إقباله العالی گشته که نیت ضمیر را به خوانه [خانه‌ی] اخلاص نوشته، و بنیاد عمارات وجودش به آب و گل نیک اعتقادی سرشته، راست کاری و درست کرداری ایشان کالشمس فی وسط السّماء بر همه کس ظاهر و هویدا

گردیده، دنیا و آخرت را به میزان عقل سنجیده، به مضمون آیه و افرهادیت ﴿وما الحیوة الدنیا إلا متاع الغرور﴾^۸، ﴿وکلّ من علیها فان﴾^۹، و به مفاد ﴿إنّما الدنیا فناء لیس للدنیا ثبوت، إنّما الدنیا کبیت نسجته العنکبوت﴾^{۱۰} دار دنیا را منزلی فانی و ویران دیده، و دل بستن به او از جاهلی و غافلّی فهمیده، و سرای آخرت را به مضمون «و الآخره خیر و ابقى»^{۱۱} کاشانه با فرّ و جاویدان دانسته، و رشته محبت دنیا را از عاقلی و کاملی گسسته، دامن همّت بر کمر زده، جاهد و ساعی اعمال خیر گردیده، به کریمه ﴿من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها﴾^{۱۲}، محضاً لله و قرینه الی الله مسجد و حمام و غسلخانه که عمده اعمال حسنه و از لوازمات شریعت مطهره است، در دنیا و عقبی مایه نجات و رستگاری و سبب علو رتبت و بزرگواری است جنب حمام قدیم در وسط آبادی قریه چادگان من قرای فریدن از بلوکات اصفهان بنیاد نموده، در اول ماه رجب المرجب سنه پیچ نیل ترکی^{۱۳} مطابق هزار و سیصد و دو هجری. علی هاجرها آلاف التحیة و الثناء. بنا نهاده از نقد و جنس و مال مخارج و انفاق نموده تا در سال دویم در ماه محرم الحرام از فخاری^{۱۴} و بنائی و حجاری و نجاری آنچه لازمه استحکام آن بوده به اتمام رسانیده، تا از این بنای خیر، «هل جزاء الإحسان إلا الإحسان»^{۱۵} در حق ایشان صادق آید؛ و دستگیر یوم میعاد

جزای حسن عمل بین که روزگار هنوز خراب می نکند بارگاه کسری را و محل عبادت کافه انام، و رافع احتیاج خواص و عوام قرار داده، تا ان شاء الله از کرم عمیم و اعطاف خداوند رحیم، نام نامی و اسم گرامی ایشان را در طومار ﴿وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا يَقْطَعُونَ وادياً إِلَّا كَتَبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^{۱۶} ثبت کند.

مسجد مشتمل است بر کُر^{۱۷} و شبستان و صفة و صحن مسجد و دو اتاق تحتانی و دو ایوان فوقانی رو به فضای درب مسجد به سمت شارع عام. کُر و غسلخانه و شبستان از سمت مشرق به شارع عام، و از سمت جنوب به گلخن^{۱۸} حمام، و از سمت مغرب به صفة مسجد، و از سمت شمال به خانه های

نصرالله ولد مرحوم محمدقاسم، و حدود هشت [هشتی] محدود می شود^{۱۹}. و اتاق‌های فوقانی و تحتانی جنبی هشت و صحن و صفاه از این قرار است: از سمت جنوب و مغرب و شمال به شارع عام، و از سمت مشرق به شبستان و گلخن و حمام و بانی سابق الذکر وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملّی مسجدیت نمودند فرش و زمین شبستان و صفاه را بر قاطبه اّمّت خیر البشر و ائمه اثنی عشر، که محل عبادتگاه ایشان بوده باشد، غیر از عبادت را در این دو محل شایسته ندانند و کار دنیا را بر آخرت اختیار نمایند و وقف عام نمودند بر تمام خلق الله صحن و ایوانچه‌های صحن و هشت و اتاق‌های فوقانی و تحتانی جنبی هشت و پشت بام‌های آن‌ها و پشت بام صفاه و شبستان مسجد را به جهت عبادت و آمد و شد و نشستن و برخاستن و گردش کردن و خوابیدن و بیع و شراء^{۲۰} نمودن و منزل گرفتن اشخاصی که ظاهرالصلاح باشند در اتاق‌های تحتانی و فوقانی و ایوانچه‌های صحن از غریب و رهگذر، کاسب و پیله‌ور، و طیب و جراح، دراویش و تجّار، صحّاف و مکتب‌دار، بزّاز و عطّار از هر صنفی که لایق به جای مسجد باشد و خلاف شرعی از آن‌ها ناشی نشود، تعدّی و خرابی هم بر مسجد وارد نیاید، و لیکن بر متولی لازم است انفع را بر غیر انفع اختیار سازد؛ یعنی منفعتی حاصل شود که صرف مسجد نماید. اهل علم و فضل را بر دیگران مقدّم بدارد، ارادل و اوباش، عملۀ دیوان و فراش هرگاه بخواهند در این اتاق‌ها منزل گرفته، مسؤل عمل دیوانی باشند، راه ندهد؛ اما دو اتاق تحتانی رو به فضای درب مسجد از تفصیل فوق خارج هستند و در ذیل معلوم خواهد شد...

بعد ذلک، بر ضمیر مقرّب الخاقان سابق الذکر گذشته و به این خیال افتاده که جایی و مکانی، مزرعه و دکان‌ها به جهت مخارج مسجد و متعلقات او قرار داده و معین نموده، تا باعث ثبات و دوام او گردد؛ چون دنیا مزرعه آخرت است نه جای اقامت، و محل تدارک عاقبت است نه منزل سلامت؛ پس هر کس باید در او تخمی فشانند که عاقبت به کار آید و نهالی نشاند تا آخرت به بار آید؛ بنابراین توفیق بر

توفیقات ایشان افزود و بخت بلند اقبال و سعادت روی نموده، وقف صحیح شرعی و حبس مخلد ملى مسجد مشروح نمودند همگی و تمامی دو باب اتاق تختانی که واقع اند سمت فضای درب مسجد و دکان، و قرار داده اند همگی و تمامی دو دانگ و سه حبه ۲۱ از جمله شش دانگ هفتاد و دو حبات آب و املاک مزرعه لای دور سفلی من مزارعات قریه چادگان، که محدود می شود به املاک چادگان و به دماغه تپه ده کاه چادگان، که منتهی الیه املاک بابادگان است، و به نهر املاک جلبند و لای دور علیا با جمیع توابع و لواحق از ممر و مدخل و شرب و مشارب و کلما يتعلق بها. در هر زمان هر صنفی از اصناف دکان دار که مناسب و انفع به حساب باشد، در این دو باب دکان مسکن بدهند؛ و آنچه مال الاجاره آنها می شود، با مداخل حاصله از مزرعه مرقومه بعد از وضع مخارج از بذر و حق زارع، صرف مخارج مسجد از تعمیر و خرابی و چراغ و روضه خوانی و اجرت خادم و سایر مخارج متعلقها نمایند؛ و تولیه موقوفات مزبوره را از مسجد و حمام و غسل خانه و مزرعه و دکان مادام الحیوه در حق خودشان برقرار، و بعد الحیوه به ولد ذکور اکبر عاقل و ارشد امین کامل خود نسلاً بعد نسل واگذار. عیاداً بالله با انقراض اولاد ذکور به عاقله و رشیده و متدینه اولاد اناث، طبقه بعد طبقه سزاوارن بودند.

العظمه لله، با انقراض اولاد اناث به عدل و صاحب علم قریه مذکور. با نبودن صاحب علم در قریه مزبوره، به عدول مسلمین از اهل آبادی قریه مزبوره مفوض فرمودند هر طبقه از طبقات به ترتیب مسطور.

خداوند تبارک و تعالی را حاضر و ناظر دانسته در مقام بیع و شراء درنیاورند. هبه و صلح را در اینها جایز ندانند تا از عصیان ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلِي الدّين يبدلونه إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^{۲۲} محفوظ و مصون باشند.

بعد ذلک عالی شأن عزت و سعادت نشان نصر الله بیک، خلف مرحمت مآب عزیزالله بیک چادگانی این اسباب خیر را غنیمت دانسته، قد راست کرده و به بهای کم ... آغاز نموده، به امید اجر بسیار و عطای بی شمار به دست آویز «یا مَنْ يُعْطَى

الكثير بالقليل»^{۲۳}، موفق به توفیقات ربّ العزّ گردیده، وقف صحیح شرعی مسجد مرقوم نموده همگی و تمامی نیم دانگ مشاع از کل شش دانگ مزرعه مرقومه لای دور سفلی، از قراری که در فوق مرقوم گردیده، و تولیت او را نیز بر متولی مسجد مزبور از قراری که در ورقه مسطور است وا گذاشته، و ثوابش را مفوض نمود به روح خاتم انبیا و ائمه هدی علیهم آلاف التحیه و الثناء تا از پرتو نور ایشان خداوند تبارک و تعالی والد واقف و زوجه او، که مرحومه مغفوره مبروره زینت خانم، صبیّه مرحمت و غفران مآب آقا میرزا بیک بوده باشد، از عقبات آخرت برهاند و به درجات عالیّه برساند و از جنّات عدن عوض عطا فرماید.

توضیح آنکه چون یک دانگ از ملک لای دور سفلی در تملیک علیا مخدره مکرمه محترمه والده عالی جاه رفعت جایگاه، نتیجه الخواص العظام احمد قلی خان بود، لهذا سه حبه از جمله هفتاد و دو حبات آب و املاک ... آفتاب مزرعه شامجان، عوض داده شد. هرگاه من بعد الیوم به خلاف مسطور ادعا شود، باطل و عاطل و از درجه اعتبار ساقط و هابط^{۲۴} خواهد بود.

و صیغه معاوضه به طریق مصالحه به رضایت و اذن و امضای جانبین جاری و واقع شد. و کان ذلک فی پنجشنبه سیم شهر رجب المرجب من شهر ۱۳۰۳ (مهر): لا إله إلا الله الملك الحق المبين. مصطفى قلی انالو).

پوشیده و مخفی نماناد که علیا مخدره مکرمه محترمه مرقومه فوق، اقرار بر معاوضه نمود؛ و اطلاع کامل بر مضمون آیه و افره دایه ﴿انما هذه الحیوة الدنیا متاع و ان الآخرة هی دار القرار﴾^{۲۵} به هم رسانیده، ایشان را سعادت یار و بخت مددکار آمد یک دانگ حقّ خود را از بابت و ققیه، تصدیق و تنفیذ نمودند که ان شاء الله تعالی، بنا بر مضمون ﴿من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها﴾^{۲۶} محفوظ و بهره مند گردند و اسمشان در طومار ﴿من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئك یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب﴾^{۲۷} ثبت گردد.

این گونه فیض ها همه کس را میسر نخواهد شد: ﴿ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء

قرارداد اجاره یک باب دکان موقوفه در سنه ۱۲۴۷ هـ. ق

از جانب جلالت‌مآب، اجل اکرم افخم آقای رضا قلی خان یاور^{۲۹} زید إجلاله نجل^{۳۰} جلیل مرحمت‌پناه آقای عباس قلی خان امیرپنج طاب ثراه متولی مسجد بزرگ چادگان، قبول اجاره شرعیه اسلامیة نمود عالی‌شان آقا رضاقلی ولد مرحوم استاد ابوالقاسم صباغ^{۳۱} چادگانی غُفر له تمامیت یک باب دکان صباغی موقوفه مسجد بزرگ چادگان واقع درقریه رُزوه با کافه ملحقات شرعیه و آب روان که محدود به حدود اربعه است؛ با اثاثیه موجودی آن به لیست جداگانه از حال الی فصل^{۳۲} مدت پنج سال تمام دیگر، عید نوروز سلطانی به مال الاجاره مبلغ هفده تومان و نیم نقد که از قرار قسط‌التعین هر سال، اول میزان^{۳۳}، مبلغ سه تومان و نیم درچادگان به اینجانب برسانند؛ و ضمن العقد شرط تعمیرات جزئی که حال لازم است به عهده مستأجر بوده باشد؛ و بعد از فصل مدت، آب خمره‌ها را به تصدیق قیمت بگیرد؛ و اساسیه [= اثاثیه] دیگر که خودش خرید، یا به قیمت بدهد، یا ببرد؛ و اساسیه [= اثاثیه] خود دکان را که حال موجود است، به موجب سیاهه^{۳۴} بدهد. هرچه از میان رفته خود از عهده برآید.

و صیغه شرعیه جاری و واقع گردید فی شهر شعبان من ۱۲۴۷ (مهر: أفوض امری إلی الله^{۳۵} عبده رضا قلی).

هامش:

قد أُجريت صیغهُ الإجاره الشرعیه كما فيه، بإذن المستأجر فی ۱۸ شهر شعبان

۱۲۴۷

(مهر: عبد حسن بن ابوالفضل الحسینی؛ مقدس الألقاب آقا ملا علی اکبر؛ و عالی حضرت اسد الله؛ جناب عالی جاه خیر الحاج حاج شاه‌مراد بیگ زید عزه؛ جناب نتیجه الخوانین العظام آقای مهدی قلی خان زید عزه؛ احقر غلام حسین ولد مرحوم آقا غلامرضا صباغ چادگانی حاضر بودم).

در روز مصلحت علی بن ابی طالب
 از صاحب جلاله ابی حمزه رضا فقیه با دربار اصفهان
 تا عین صفت از خط سیرا متوسل مسید بر خط سیرا
 علی بن ابی طالب و در حرم ابراهیم صانع صاحب خط سیرا
 و لایق صوغ موقوفه مسید که میان دو قدر در آورده
 سیرا و سیرا که هر دو یک در است

با این موقوفه در است صاحب کمال ارفاق از نصیب سیرا
 نور در سیرا از نصیب سیرا سیرا سیرا سیرا
 در سال اول سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 کا ارفاق سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 جزئی ارفاق سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 اب حمزه کا نصیب سیرا سیرا سیرا سیرا
 یا نصیب سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 بموجب سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا
 سایر و دایم گردید در سیرا سیرا سیرا

صاحب جلاله ابی حمزه رضا فقیه
 سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا

صاحب جلاله ابی حمزه رضا فقیه
 سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا

صاحب جلاله ابی حمزه رضا فقیه
 سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا



صورت اجاره دوباب دکان موقوفه درسنه ۱۳۰۴ هـ. ق

بیت
 بیع دوازده تان نمره از راه اجاره
 نه ۱۳۰۴ هـ. ق دو باب دکان
 مسجد مرقوم که در پیشگاه
 مسجد مرقوم از راه اجاره و غیره
 شد از راه دو باب دکان پنج باب
 محمد صابر خادم مسجد مرقوم و اصل از راه
 تاریخ ۱۳۰۴ هـ. ق
 محمد صابر خادم

مبلغ دوازده تومان نقد از
 مال الاجاره سنه ۱۳۱۴ شمسی
 [بابت] دو باب دکان مسجد
 جامع چادگان، جهت روشنایی
 مسجد مرقوم، از ید الله استکی
 و عبدالرسول شکرانی مستأجر
 دوباب دکان به این جانب
 محمد صابر (نمره ۱۲۰۰) خادم
 مسجد واصل گردید. به تاریخ ۵
 شهر شعبان ۱۳۰۴ صحیح است.
 محمد صابر خادم

۱۰۰

موقوفات

مسجد جامع چادگان و موقوفات آن

هامش:

بیت
 مقدار هشتاد و نه تان نمره
 در سنه ۱۳۰۴ هـ. ق دو باب دکان
 خادم مسجد مرقوم که در پیشگاه
 مسجد مرقوم از راه اجاره و غیره
 از راه پنج باب دکان و اصل از راه
 پنج باب محمد صابر خادم مسجد
 مرقوم و اصل از راه تاریخ ۱۳۰۴ هـ. ق
 محمد صابر خادم

اعترف كما رُقِم في التاريخ
 سيد حسن الحسيني (مهر عبد
 حسن بن ابوالفضل الحسيني). ۳۶
 صورت موجب خادم مسجد
 در سنه ۱۳۰۴
 مقدار هشتاد من به وزن شاه ۳۷
 گندم در سنه ۱۳۱۴ شمسی
 بابت موجب خادم مسجد جامع
 چادگان از ملک موقوفه مسجد
 مرقوم، حسب الحواله آقای

بابت قیمت	بابت مزد یک روز	مواجب آقای	ایضاً مزد چند نفر	قیمت
سنگ ۱۱	بنا با پنج نفر عمله	ملا صابر	عمله	خشت
ریال جو	گندم داده شده	گندم	جوداده شده	جو داده
داده شد	۱۰ من	۸۰ من	۲۴ من و صد درم	شده
۳۰ من			و پنج سیر	۱۰ من

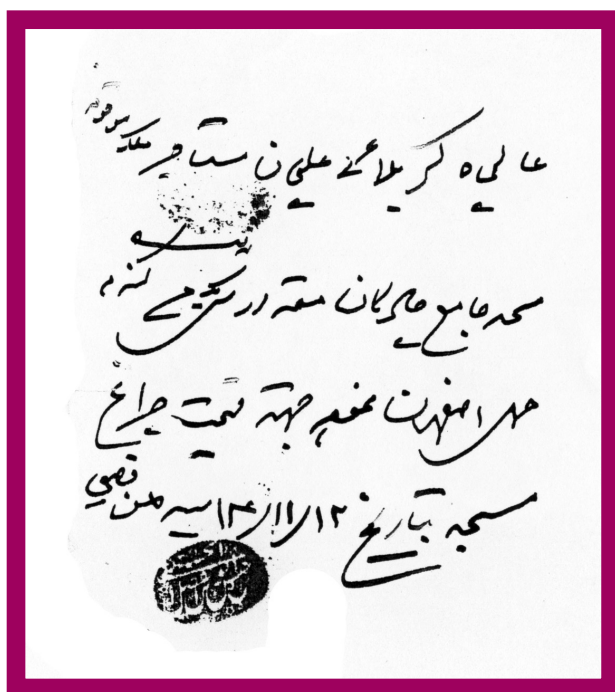
استاد	بابت مخارج	بابت قیمت حصیر	ایضاً کربلایی	ایضاً
رضاقلی	بیست و چهار	و مزد حصیربافی،	رضاقلی	گندم
کوره پز: بابت	روز، حصیربافی	گندم داده شده از قرار	کوره پز	۱۰
قیمت آجر،	از قند و چای و	یک من سی شاهی ^{۳۹}	بابت قیمت،	من
جو گرفته	نان ۳۴ ریال، گندم	یک صد و شصت	آخر گندم	
۲۴ من	داده شده ۴۴ من	وسه من ^{۴۰}	گرفته ۲۱ من	

جمع مقدار مرقوم	جمع کلی گندم ۳۲۰	بابت کرایه حصیر از
از جو ۱۰۲ تومان یکصد	من	قرار باری دوازده رالم
و یک من و نیم بابت		جو ۳۶ من
کرایه		

صورت اجاره ملک موقوفه مسجد در ۱۳۱۴

عالی‌جاه کربلائی علی‌خان مستأجر ملک موقوفه مسجد جامع چادگان مقدار سی و یک من گندم حمل از اصفهان نموده جهت قیمت چراغ مسجد به تاریخ ۱۴/۱۱/۱۲. سید حسن فصیحی^{۴۱}.

شایان ذکر آنکه مسجد جامع فعلی چادگان فاقد هرگونه موقوفه است و کلیه موقوفاتی که ذکر آن گذشت، از حالت وقف خارج گردیده است. امید است ان شاء الله انتشار این اسناد گامی در جهت احیاء موقوفات آن باشد^{۴۲}.



پی‌نوشت‌ها

۱. میرمحمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۰) «دییاجه‌ای بر جغرافیای تاریخی فریدن (پرتیکان باستان)» ارمغان قلم، ص ۱۳۰؛ WWW.sci.iranet.net;
۳. اطلاعات دریافتی از آقای سید رضا نوحی چادگانی. شایان ذکر آنکه اسناد و مدارک مربوط به موقوفات مسجد جامع را نیز ایشان در اختیار نگارنده قرار داده است که بدین وسیله از ایشان سپاسگزار است؛ و امید است ان شاء الله اسناد و مدارک تاریخی گردآوری شده را با یاری خداوند به سامان برساند.
۴. اصل وقف‌نامه مسجد فوق که به صورت سنگ‌نبشته است، در اختیار آقای سید رضا نوحی چادگانی است که نگارنده این وقف‌نامه را در مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۶۷ منتشر نموده است.
۵. مرحوم حجت الاسلام و المسلمین سید حسن فصیحی امام جمعه چادگان، فرزند مرحوم سید ابوالفضل فرزند سید علی قاضی طاب ثراه است که ایشان از علمای بزرگ منطقه بوده و از مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (بنیان‌گذار حوزه علمیه قم) اجازه اجتهاد داشته است.
۶. میر پنج به معنای امیر، و فرمانده واحدی در حدود ۵ هزارتن، و او بالاتر از «مین باشی» بود. «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۹۰.
۷. سوره ملک، آیه ۲: «همان که مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید؛ و اوست ارجمند آمرزنده».
۸. سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۸۵: «و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست».
۹. سوره الرحمن، آیه ۲۶: «هر چه بر زمین است فانی‌شونده است».
۱۰. کفعمی، ابراهیم، «محاسبه النفس»، قم: نشر قائم آل محمد، ص ۱۴۴. ظاهراً ابیاتی از یک شعر عربی است.
۱۱. سوره اعلی، آیه ۱۷: «و منزل آخرت بسی بهتر و پاینده‌تر است».
۱۲. بخشی از آیه ۱۶۰ سوره انعام: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش خواهد داشت».
۱۳. پیچ نیل / پیچی نیل به معنای سال بوزینه، سال نهم از سال‌های چینی و ترکی «فرهنگ بزرگ گیتاشناسی، عباس جعفری، گیتاشناسی»، ۱۳۶۶، ص ۲۰۴.
۱۴. فخّاری: کوزه‌گری، سفال‌گری، خشت‌پزی «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۴۹۱.
۱۵. سوره الرحمن، آیه ۶۰: «مگر پاداش احسان جز احسان است؟».
۱۶. سوره توبه، آیه ۱۲۱: «و هیچ وادی را نمی‌پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می‌شود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می‌کردند پاداش دهد».
۱۷. گر: آب جاری؛ مقدار آبی که نجس نشود «فرهنگ فارسی معین»، ج ۳، ص ۲۹۲۶؛
۱۸. گلخن: تون گرمابه، اجاق حمام «فرهنگ فارسی معین»، ج ۳، ص ۳۳۶۶.

۱۹. هشت/هشتی: منسوب به هشت. محوطه‌ای به شکل کثیر الاضلاع (هشت ضلعی) یا مدور که بین کوچه و خیابان و در ورودی به حیاط می‌ساختند و در دو سوی آن سکوها برای نشستن افراد می‌گذاشتند «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۱۴۵.

۲۰. شراء: خرید؛ فروش «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۰۳۴.

۲۱. حبه: هر زمین شش دانگ، و هر دانگ ۱۲ حبه است. بنا براین شش دانگ برابر با ۷۲ حبه است.

۲۲. بخشی از آیه ۱۸۱ سوره بقره: «پس هر کس آن (وصیت) را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند [آری، خدا شنوای داناست]».

۲۳. ای آنکه عطا می‌کنی بسیار را به کم. فرازی از دعای حضرت امام صادق علیه السلام در ماه رجب.

۲۴. هابط: فرودآینده، نازل «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۰۷۹.

۲۵. آیه ۳۹ سوره غافر: «این زندگی دنیا تنها کالایی ناچیز است؛ و در حقیقت آن آخرت است که سرای پایدار است».

۲۶. آیه ۱۶۰ سوره انعام: «هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن پاداش خواهد داشت».

۲۷. سوره غافر، بخشی از آیه ۴۰: «کسانی که کار شایسته کنند، چه مرد باشند یا زن، در حالی که ایمان داشته باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند و در آنجا بی حساب

روزی می‌یابند».

۲۸. بخشی از آیه ۲۱ سوره حدید: «این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خداوند را فرزون بخشی بزرگ است».

۲۹. یاور: درجه نظامی که سابق در ارتش معمول بوده و به جای آن کلمه «سرگرد» برگزیده شده «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۵۲۴۸.

۳۰. نجل: زاده، فرزند، نسل، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۶۷۸.

۳۱. صباغ: رنگرز، رنگ‌سازی، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۱۲۷.

۳۲. فصل: جدا کردن، مانع، حاجز میان دو چیز، «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۵۵۰.

۳۳. میزان: هفتمین برج از بروج دوازده گانه سال شمسی، معادل آبان‌ماه. اول میزان: اول آبان‌ماه «فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۹۳.

۳۴. سیاهه: نوشته‌ای که در آن اقلام دخل و خرج و مانند آن را نویسند؛ مُسَوِّدَه، صورت حساب «فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۱۹۷۲.

۳۵. بخشی از آیه ۴۴ سوره غافر: «و کارم را به خدا می‌سپارم».

۳۶. آیت الله سید حسن حسینی فرزند آیت‌الله سید علی قاضی چادگانی، از علمای قرن اخیر چادگان است.

۳۷. مقیاس وزن معادل ۸۰ سیر معادل ۲ من معمولی (تبریز) برابر ۶ کیلوگرم است «فرهنگ بزرگ گیتاشناسی»، ص ۳۴۴

۳۸. صورت حساب فوق به طریق سیاق نوشته شده که به صورت حساب معمول تبدیل گردیده است. قابل ذکر است که تفاوت جزئی در جمع کل مشاهده می‌گردد.
۳۹. سی شاهی معادل یک ریال و نیم.
۴۰. مقدار فوق به حساب سیاق یکصد و شصت و چهار نوشته شده، ولی به حروف یکصد و شصت و سه نوشته شده است.
۴۱. سید حسن فصیحی فرزند آیت الله سید علی قاضی چادگانی از علمای قرن اخیر چادگان است.
۴۲. نگارنده از آقای سید رضا نوحی چادگانی به خاطر در اختیار نهادن اسناد و مدارک ارائه شده در این مقاله و نیز تلاش در جهت شناسایی و احیاء موقوفات فوق سپاسگزار است.